

یادی از کیومرث صابری (گل آقا)

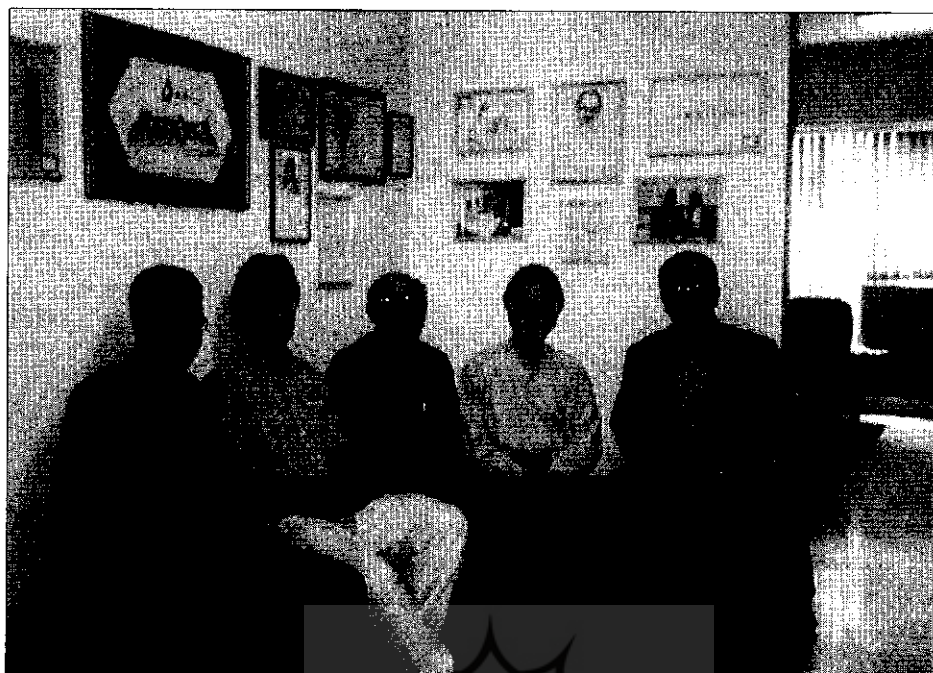
با اظهار نظرهایی از:

احمد رضا احمدی — سیمین بهبهانی و آیدین آغداشلو

کیومرث صابری فومنی «گل آقا» ادیب و طنزپرداز معاصر، هفتم شهریور ۱۳۲۰ در سومعه سرا یکی از شهرهای استان گیلان متولد شد. پدرش کارمند وزارت دارایی بود. پس از مرگ پدر بردار ترک تحصیل کرد تا به معیشت خانواده کمک کند.

صابری تحصیلات دبستانی و دبیرستانی خود را در شهر فومن گذراند. در تمام دوران تحصیل به اجبار در یک مغازه خیاطی و بعد تعمیر دوچرخه کار می کرد. در شانزده سالگی (۱۳۲۶) در امتحان ورودی دانشسرای کشاورزی ساری که از شهرستان فومن فقط یک نفر را می پذیرفت، قبول شد. در سن هجده سالگی (۱۳۳۸) به عنوان معلم یک دبستان روستایی، به «کسما» از توابع سومعه سرا رفت و یک سال در آنجا معلم بود. سال بعد از آن (۱۳۳۹) به دهی به نام «کوچه چال» از توابع «ماکلوان» در نزدیکی فومن منتقل شد. او مدت یکسال مدرسه چهار کلاسه آنجا را به تنهایی اداره می کرد. در بیست سالگی (۱۳۴۰) در رشته ادبی، به طور متفرقه امتحان داد و دیپلم گرفت. همان سال در رشته سیاسی دانشکده حقوق تهران پذیرفته شد و همزمان با تدریس در دبستان و دبیرستان به تحصیل پرداخت. و در سال ۱۳۴۴ توانست لیسانس حقوق سیاسی خود را از دانشکده حقوق دریافت کرد.

صابری اولین شعرش را در چهارده سالگی هنگامی که کلاس هشتم دبیرستان بود، در روزنامه دیواری مدرسه ارائه کرد. اولین نوشته صابری بین سالهای ۱۳۳۹ - ۱۳۳۶ در مجله امید



● دفتر مجله گل آقا - سیدفرید قاسمی - کیومرث صابری - یوسس شکرخواه - اولریش مارزلف و دهب‌تسی ایران چاپ شد. عنوان آن شعر هم یتیم بود. صابری در اولین سال تحصیل در دانشکده (۱۳۴۰) در تظاهرات دانشجویی شرکت کرد و مضروب و دستگیر شد. گردن او از ضربات باتوم به شدت آسیب دیده بود. او شعری به طنز و سیاسی سرود و با امضای «گردن شکسته فومنی» برای توفیق ارسال کرد. پس از چاپ این شعر در چند شماره بعد توفیق، صابری به طنزنویسی کشیده شد. او تا سال ۱۳۴۵ گهگاهی اشعاری برای توفیق می‌فرستاد.

سال ۱۳۴۵ با کمک حسین توفیق به تهران منتقل شد و در یکی از دبیرستانهای تهران به تدریس پرداخت او عصرها، همکار ثابت توفیق بود و پس از مدت زمانی کوتاه، به معاونت حسین توفیق که سردبیری توفیق را به عهده داشت، رسید. امضاءهای او در توفیق عبارت بودند از: میرزا گل، عبدالقائوس، ریش سفید، لوده، گردن شکسته فومنی و...

پس از تعطیلی توفیق، صابری به تدریس ادامه داد. او گهگاه اشعار جدی می‌سرود که جز به ندرت چاپ نمی‌کرد. صابری بعدها در هنرستان صنعتی کارآموز تهران، با محمدعلی رجایی که بعد از انقلاب اسلامی به نخست وزیری و ریاست جمهوری رسید، آشنا شد. این آشنایی به دوستی صمیمانه این دو انجامید و تا زمان شهادت رجایی (۸ شهریور ۱۳۶۰) ادامه یافت.

برداشتی از فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر، عنوان پایان‌نامه مقطع لیسانس صابری است که آن را بین سالهای ۱۳۴۴ - ۱۳۴۳ نوشته است. صابری در دهه پنجاه، بیشتر وقت خود

مقتضایه - ماهنامه - سالنامه - مجله

گلزار

تاریخ:
شماره:
پوست:

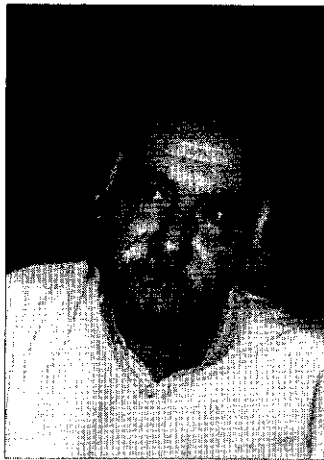
بنام خدا

دهب سحر عزیز

باسلام ،
 من اگر به ساحتش بنگرم ،
 صد نفس نفس از دست ، ای شوم ، ای غمگین ،
 دم دیارم خورم ، خیزر به او ،
 دست فریغ - فریغ - فریغ ،
 اول و خورم هر دره من غم ،
 تا هر نیشم)
 از آنکس که در عالم سینه در کار با او ،
 تهران - صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۲۹۳۶ - تلفن: ۲-۸۸۶۵۸۸۲
 وادار از روی غم که نفس از دست صبح آدم را برود -

کتابخانه
 شماره
 تاریخ
 ۷۸۲۶۳۸
 ۱۳۸۲

● کیومرث صابری (گل آقا) - عکس از علی دهباشی



را صرف مطالعه و تدریس کرد و در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ فوق لیسانس ادبیات تطبیقی از دانشگاه تهران شد.

پس از انقلاب در زمان نخست‌وزیری شهید رجایی به مقام مشاورت فرهنگی و مطبوعاتی نخست وزیر منصوب شد. در زمان ریاست جمهوری شهید رجایی به مشاورت فرهنگی رئیس جمهور رسید و تا زمان شهادت رجایی در این سمت باقی بود و هنگام ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای در همان سمت ابقاء شد.

اولین دو کلمه حرف حساب گل آقا، بیست و سوم دی ماه ۱۳۶۳ در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید. با گذشت مدت زمانی کوتاه از آغاز انتشار دو کلمه حرف حساب توجه بسیاری از مردم، مقامات، ادبا، نویسندگان و رسانه‌های داخلی و خارجی را به خود جلب کند. پس از گذشت نزدیک به شش سال از انتشار اولین دو کلمه حرف حساب، صابری تقاضای انتشار هفته‌نامه طنز «گل آقا» را کرد و توانست در آبان ۱۳۶۹ اولین شماره هفته‌نامه گل آقا را منتشر کند. آثاری که تا به حال از صابری منتشر شده، عبارتند از: ۱ - برداشتی از فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر (۱۳۷۵) ۲ - تحلیل داستان ضحاک و کاوه آهنگر ۳ - مکاتبات شهید رجایی و بنی صدر ۴ - اولین استیضاح در جمهوری اسلامی ایران ۵ - دیدار از شوروی ۶ - گزیده دو کلمه حرف حساب (۴ جلد)

صابری در آبان ماه ۱۳۸۱ و همزمان با آغاز سیزدهمین سال انتشار هفته‌نامه گل آقا انتشار آن را متوقف ساخت. وی که علت این توقف ناگهانی را دلایل شخصی ذکر کرد، تا آخرین لحظه روزه سکوت خود را در این باره نگشود.

کیومرث صابری سرانجام در صبح روز جمعه یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ پس از طی یک دوره بیماری به ملکوت اعلی پیوست. روحش شاد که همیشه مردمان را شاد می‌خواست. در این شماره نظر سه تن از هنرمندان معاصر را درباره کیومرث صابری می‌خوانیم:

احمد رضا احمدی:

در طنزنویسی ۱۰۰ سال اخیر ایران سه چهره بودند که دارای نثر فاخر و مجلل و نثر ویژه خود بودند؛ علی اکبر دهخدا در مجموعه مقالات چرند و پرند، فریدون توللی در کتاب التفاصيل و کیومرث صابری در مجموعه مقالات گل آقا.

طنز صابری عاری از دشنام بود. طنزی داشت که دوست آفرین بود نه دشمن آفرین. در کار اداره چهار مجله گل آقا یک مدیر فوق‌العاده بود. با تسلط، با گذشت و یک دوست بزرگ بود برای همکارانش بهترین دوران طنز منوچهر احترامی، عمران صلاحی و دیگران در نشریات گل آقا بود. صابری در امر روزنامه‌نگاری به زبان فارسی بسیار اهمیت می‌داد. دریغ که او رفت. خود من یک دوست نازنین را از دست دادم، یک دوست نازنین و یک تکیه‌گاه فوق‌العاده را از دست دادم، دریغ. دریغ. دریغ.

سیمین بهبهانی:

گمان می‌کنم هموطنان من اگر نه همه ایشان با نام نشریه گل آقا و کیومرث صابری آشنا باشند. او طنزپردازی چیره‌دست و روزنامه‌نگاری فعال بود. طنز رشته‌ای از ادبیات است که به سبب نکته‌پردازی‌ها و طرفه‌گویی‌ها در میان مردم جایگاه ارجمندی دارد و ظرفیتش چنان است که می‌تواند تلخ‌ترین نقدها و شکایت‌ها و تعریض‌ها را با چاشنی ویژه خود تحمل‌پذیر کند. اگر کسی واقعاً به احوال جامعه خود توجه داشته باشد، از این طریق می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند. امیدوارم که صابری در این امر موفق بوده باشد.

در این رشته از ادبیات در حال حاضر کمتر شخصیت بارزی داریم در حالی که در میان سخن‌پردازان گذشته نام عبید زاکانی می‌درخشد؛ درگذشت صابری غبنی برای روزگار ما است. روانش شاد و عمر ایرج پزشک‌زاد، دکتر جواد مجابی، سیدابراهیم نبوی، عمران صلاحی دراز باشد که مردان این میدانند. در میان شاعران نیز شیرین کاری‌های احمد رضا احمدی را از یاد نبریم.

گزیده دو کلمه حرف حساب

گل آقا
به نام خدا

(۱۳۷۰-۱۳۷۲)

بسم الله الرحمن الرحیم

ماده حضرت محمد اورد

فرهنگ ایران علی دهباش عزیزم

کتابخانه گل آقا (مهرآب)

خرداد ۱۳۷۵

انتشارات گل آقا
۱۳۷۲

آیدین آغداشلو:

۳۸۶

کیومرث صابری روح ادبیات معاصر ما بود که رفت. چنین جای خالی مانده‌ای را چگونه می‌توان وصف کرد، یا تحمل کرد. آدمی با چنان ادب و آداب و مراعات و حق‌گذاری و پاکی و طنز و هوشمندی را دیگر کجا می‌شود سراغ کرد. یا یافت. ادیبی تمام و کمال بود و ساحت گسترده سواد و معرفتش هرگز مستور حضور ذهن بی‌ظنیر و طنز با حیایش نمی‌ماند و در میان همه نسل ما، سال ۱۳۵۷ نه آغازگر ولادتش شد و نه به پایان رساننده حیات معنویش. بی‌بغض و کینه و بددلی تمام این سال‌های خطیر را به سربلندی پیمود و چنان زیست که عرفی شاعر آرزو داشت و در میان هر جماعتی عزیز و محرم و محترم ماند.

در میان تمام دوستانم، آخرین کسی بود که می‌شد وهم و گمان از دست دادنش را داشت هر چند که نرفته است و مانده است و می‌ماند و نمی‌شود از ادبیات این بیست سال ما سخن گفت و نام او را در میان نیاورد.